

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت میسلون، لبنان، دوازدهم جنوری ۲۰۲۲  
نویسنده: ماکسیمیلیان فورت(\*)  
برگردان از: احمد مزارعی،  
۱۴ جنوری ۲۰۲۲

## چگونه جنگ علیه لیبیا آغاز شد؟



در دهمین سال تهاجم ناتو علیه لیبیا، در زیر به توضیح ادعاهای دروغ و نقش سازمانهای وابسته غربی که این جنگ را به راه انداختند می پردازیم، آنها عملاً دوش به دوش و در کنار حکومتهای غربی که مخارج مالی این جنگ را تأمین می کردند در جنگ علیه لیبیا شرکت کردند. آنها به وسیله نشر شایعات و پخش خبرهای دروغ توانستند این امکان را در اختیار حکومتهای غربی قرار دهند تا بتوانند به جنگ خود علیه دولت لیبیا مشروعیت ببخشند. (۱)

"فدرالیسم بین المللی حقوق بشر" در بیانیه روز دوشنبه خود به نقل از "مرکز حقوق بشر لیبیا" نوشت نزدیک به ۳۰۰، الی ۴۰۰ نفر از روز پانزدهم فیروزی تا کنون کشته شده اند، این مرکز حقوق بشری، عضو فدرالیه مذکور است. "مجلس انتقالی" بدون هیچ سوالی این خبر را بعد از یک هفته از شروع انتفاضه منتشر نمود (۲۰۱۱/۲/۲۲)

"مرکز حقوق بشر لیبیا" خود ادعا کرد که نظام لیبیا مزدورانی را از کشورهای چاد، نیجریه، زیمبابوه و از بعضی از وابستگان دیکتاتور سابق "چارلز تیلور" استخدام میکند اما آنها هیچگونه دلیلی ارائه نکردند و صحت این گزارش هیچوقت ثابت نشد، بلکه درست به عکس این ادعاها ثابت گردید، و شاید اصلاً برایشان مهم نبود. صرف نظر از این که این اخبار جعلی دلیل دیگری بر بیطرف نبودن صادرکنندگان بود. حقیقت اینست که همین انواع صداها و بیانیتهای

جعلی بود که اجازه یافت در مذاکرات وضعیت لیبیا در ملل متحد، از همان اوایل مذاکرات و تا روزها هفته های آخر انتفاضه ، جنبه مسلط پیدا کند.

جولیان تیل، روزنامه نگار برجسته و مستند ساز فرانسوی و مولف پروژه ویدیویی مستند با عنوان "جنگ انسانی" نظری عمومی به زبان فرانسه نوشت که تحقیقات شخصی وی انرا کشف کرده بود ، همچنانکه همیشه فیلمهای مستند وی چنین است ، از روی این نوشته میتوان به "عملکرد قانون بین المللی پی برد و اینکه چگونه میتوان غالباً از اصول اساسی این قوانین تخطی کرد". وی اشاره کرد به اینکه تصمیماتی که به ضد لیبیا اتخاذ شد براساس ادعاهای مختلفی بود ، "از جمله بیانیه ای که ادعا می کرد قذافی شخصاً تهاجماتی را با هوا پیما فرماندهی نموده و در سرکوب خشونت بار انتفاضه مردم شرکت کرده است ، به طوری که این تهاجمات موجب قتل بیش از ۶۰۰۰ نفر از شهروند لیبیا گردیده است." تیل "کشف نمود " که این گزارش قبل از این که در موردش تحقیقی انجام گیرد منتشر گردید"، با وجود این براساس این ادعاهای ثابت نشده عضویت حکومت لیبیا را در مجلس حقوق بشر ملل متحد به تعلیق درآوردند، و این تعلیق عضویت قبل از ان انجام گرفت که این ادعاها به مجلس شورای امنیت ملل متحد احاله داده نشده بود. در نتیجه حکومت لیبیا را از پاسخدهی به این ادعاها منع نمودند و یا اینکه حد اقل اجازه ندادند تا حکومت لیبیا اجازه یابد که برای نفی این ادعاها دلیلی ارائه بدهد

بنا به گفته "تیل" یکی از منابع اصلی که ادعا میکرد قذافی ملت خود را میکشد، "مرکز لیبیا برای حقوق بشر بود ، و این سازمانی میباشد که در ارتباط با "اتحاد بین المللی برای حقوق بشر است ، در تاریخ ۲۱، فبروری ۲۰۱۱، مدیر کل سازمان "مرکز لیبیا برای حقوق بشر، دکتر سلیمان بو شقیر ، گزارشی باکمک سازمانی غیر انتفاعی که تأیید کننده سیاستهای دولت اسرائیل و "صندوق ملی دموکراتیک " و یا "ند" امریکا میباشد، بیانیه ای را با کمک بیش از هفتاد سازمان غیردولتی به امضا رسانیده و پس از چند روز یعنی در تاریخ ۲۵ فبروری وی یعنی بو شقیر به مجلس "حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد" رفته تا ادعاهایش را متعلق به "جنایات حکومت قذافی" افشا نماید.

در ماه جولای ۲۰۱۱، خانم "تیل" برای مصاحبه با بوشقیر به ژنومسافرت نمود ، بوشقیر در آن تاریخ سفیر تازه لیبیا در ژنیو شده بود، بوشقیر برای خانم "تل" تاکید ورزید که وی با "مجلس ملی انتقالی مخالف" (منظور مخالف قذافی) رابطه دارد و حقیقت این است که ارقامی که باید به سازمان ملل در مورد "جنایات" قذافی داده می شد بسیار تاسف بار بود. در این مورد به گزارش خانم تیل تاریخ ۲۰۱۱، مراجعه کنید.

بوشقیر گزارش خود را در مورد "جنایات" قذافی به "مجلس حقوق بشر وابسته به ملل متحد ارائه داد و مدعی شد که ۶۰۰۰ نفر کشته شده اند که ۳۰۰۰ نفر آنها تنها در شهر طرابلس بوده است. (تاریخ گزارش: ۲۰۱۱/۱۲/۲ ار). هنگامی که خانم تل از بوشقیر پرسید این ارقام را چگونه به دست آورده ای؟ بوشقیر جواب داد: "از نخست وزیر لیبیا به دست آورده ام که از مخالفان قذافی میباشد.

بوشقیر: اظهار داشت : "این آقای محمود وابسته به "قبیله ورفله" می باشد که در "مجلس ملی انتقالی" حضور دارد ، ایشان این ارقام را بمن دادند ، هنگامی که تل برای یافتن ارقام کشته شده ها به دست نیروهای حکومتی کلیک نمود ، بوشقیر به وضوح اعلام کرد که "دلیلی وجود ندارد".....

هنگامیکه بوشقیر برای دادن گزارش در برابر مجلس حقوق بشر وابسته به ملل متحد قرار گرفت مجدداً ادعاهای زیادی را مبنی بر اینکه حکومت لیبیا برای بمباران ملت خودش از هواپیما استفاده نمیکرد و اینکه این حکومت از خشونت بی حد و مرز علیه همه شهروندانش استفاده کرده است. گواهی بوشقیر با وارد کردن لایحه ای سراسر اتهامات گوناگون علیه معمر قذافی، سیف الاسلام و عبدالله سنوسی به دادگاه جنایات بین المللی پایان گرفت (۲) از این پس "مجلس حقوق

بشر وابسته به ملل متحد" به طور اساسی این اتهامات را علیه لیبیا تصویب نمود. مجلس مذکور اجازه نداد نماینده حکومت لیبیا نیز از خود دفاع کند زیرا عضویت دولت لیبیا را در مجلس حقوق بشر معلق کرده بودند که به نوبه خود تاحد زیادی اقدامی مشکوک بنظر میرسید، از انطرف "مجلس حقوق بشر وابسته به ملل متحد" ، اجازه داد مجموعه "حقوق بشر" وابسته به مخالفان حکومت لیبیا و قذافی، با آزادی کامل در ملل متحد و... سخن بگویند. اضافه براین همه این ادعاها بدون خواستن دلیل و یا حتی شک در محتوای آنها رسماً پذیرفته شد و این گزارشات به "شورای امنیت ملل متحد" تحویل داده شد.

از سوی دیگر، و پس از معلق نمودن عضویت لیبیا در مجلس "حقوق بشر وابسته به ملل متحد" ، به حکومت لیبیا اجازه ندادند که سفیر جدید دیگری را در ملل متحد به جای کارمندان قبلی که به نفع مخالفان حکومت استعفا داده بودند بگمارد. (۲۰۱۱/۴۲۷)

اگر نگوئیم خفت بار ولی امری غیر عادی میباشد، زیرا " ملل متحد" به عنوان یک سازمان معتبر جهانی به شکلی فعال و پیشقدم در جهت تغییر یک نظام رسمی عضو ملل متحد، به طور مستقیم شرکت کرده بود ، مسلماً باید گفت که آنها (یعنی کارمندان ملل متحد) زیر فشارهای زیادی قرار گرفتند بودند تا ویزای ورود برای نماینده تازه لیبیا یعنی علی تریکی که از دیپلماتهای عالیرتبه دولت لیبیا بود صادر نکنند. وی به عنوان نماینده جایگزین در ملل متحد از طرف دولت لیبیا انتخاب شده بود.

از سوئی کارمندانی همچون عبدالرحمن محمد شلقم سفیر لیبیا در ملل متحد و معاونش ابراهیم دباشی که از نمایندگی دولت لیبیا در ملل متحد به نفع مخالفان استعفاده بودند به نوعی "گواهی رسمی حضور" از ملل متحد دریافت داشتند و اجازه یافتند تا وارد جلسات ملل متحد شده و بتوانند در حضور جمع علیه قذافی سخنرانی کنند. (۲۰۱۱/۳۰/۳۰ ، ، ۲۰۱۱/۳/۳۱)

حکومت لیبیا که تا ان زمان همچنان در کشور قدرت داشت برای دورزدن و گذراز تحریم ورود نماینده اش به سازمان ملل با وزیر خارجه سابق نیکاراگوا ، "میگل دسکوتو بروکمان" که به عنوان کاهن در دولت انقلابی ساندنیستها خدمت کرده و سپس در تاریخ ۳۱، مارچ، ۲۰۱۱، به عنوان رئیس ملل متحد انتخاب شده بود، حکومت لیبیا از وی درخواست نمود تا به جای این کشور گزارش کوتاهی را در مورد اوضاع واقعی لیبیا به مجمع عمومی ملل متحد ارائه بدهد، اما میگل دسکوتو، به فوریت از طرف سوزان رایس، سفیر امریکا در ملل متحد برای دادن این گزارش منع گردید ، سوزان رایس ادعا کرد که میگل دسکوتو دارای ویزای توریستی می باشد و ویزای سیاسی ندارد و می شود در مورد ویزایش تجدید نظر کرد و اگر وی خواست به نمایندگی از طرف دولت لیبیا و یا هر دولت دیگری گزارش بدهد ، ویزایش لغو خواهد شد. (۲۰۱۱/۴/۱)

در پاسخ به این اقدام نماینده امریکا سوزان رایس، دیسکوتو اظهار داشت که ملل متحد تبدیل" به اسلحه مخربی در دست امپریالیسم شده است"، منظورش امریکا بود که اجازه نداده بود از موقعیت خود در ملل متحد به عنوان میهمان استفاده کند (۲۰۱۱/۳/۳۱، لاتینا پرنسا)، دیسکوتو، بان کی مون رئیس وقت ملل متحد را نیز مورد اتهام قرار داد ، وی را متهم به خیانت به میثاق ملل متحد نمود ، دیسکوتو بعید ندانست که میان رئیس ملل متحد ، بان کی مون، و ایالات متحده امریکا برای منع ورود وزیر خارجه سابق لیبیا ، علی تریکی، از قبل هماهنگی برقرار شده است. (۲۰۱۱/۳/۳۱)

در همین زمان او باما رئیس جمهور امریکا شخصاً (سیاهپوست ، مسلمان و اهل افریقا) به همراه هیأت دیپلوماسی امریکا در ملل متحد، "شلقم" را که نماینده سابق لیبیا در ملل متحد بوده و به مخالفان قذافی پیوسته بود مورد استقبال گرم خود قرار داد. (۲۰۱۱/۳/۳۱،)

در اوایل ماه مارچ دولت امریکا سفارت لیبیا در واشنگتن را تعطیل و دیپلماتهای این کشور را از امریکا اخراج نمود و در اوایل ماه اگست ۲۰۱۱، سفارتخانه را به "مجلس ملی انتقالی" متعلق به مخالفان قذافی تحویل داد. (۲۰۱۱/۸/۲)

### عملکرد های "سازمان عفو بین الملل" به ضد لیبیا:

در تاریخ ۲۳، فبروری ۲۰۱۱، پس از گذشت چند روز از انتفاضه و پیش از آنکه فرصت تحقیق و یا اثبات و یا تاکید بر هر حقایقی که در لیبیا بطور واقعی اتفاق افتاده، انجام گرفته باشد، سازمان عفو بین الملل اقدام به وارد آوردن اتهاماتی علنی علیه حکومت لیبیا، اتحادیه افریقا و شورای امنیت وابسته به ملل متحد نمود مبنی بر اینکه اینها در اتخاذ اقدامات لازم با شکست روبه رو شده اند. (سازمان عفو بین الملل، ۲۰۱۱/۲/۲۳). (در اینجا احتمالا منظور "سازمان عفو بین الملل" در هماهنگی با امریکا و انگلیس این بوده است که باید هرچه سریع تر جنگ مستقیم علیه حکومت لیبیا را آغاز میکرده اند و چرا شروع نکرده اند. نظر مترجم)

دهشت آور اینکه با در نظر گرفتن مطالبی که در فصل سابق آمد روشن گردید، که "سازمان عفو بین الملل" افسانه مزدوران افریقائی را نیز تائید میکند، به این معنی که قذافی برای کشتار مردم خود از مهاجرین و سیاهپوستان استفاده کرده است، عفو بین الملل همچنین شیوه برخورد و پاسخ دهی اتحادیه افریقا را در مورد بحران لیبیا مورد انتقاد قرار داد، بحرانی که در آن شاهد قتل صدها نفر و آوردن مزدورانی از کشورهای افریقائی به وسیله رهبر لیبیا بودیم تا به وسیله آنها اعتراضات مردم را به ضد خود سرکوب نماید. (بخشی از اتهامات عفو بین الملل بر علیه لیبیا)

در همین رابطه خانم سالیل شیتی چنین گفت "این شنیع میباشد که مجلس صلح و امنیت وابسته به اتحادیه افریقا حتی یک جلسه برگزار نکرد تا موضوع حالت اضطراری را در یکی از کشورهای عضو خود بررسی نماید"

سازمان عفو بین الملل، از اتحادیه افریقا دعوت نمود تا تضمین بدهد که کشورهای عضو آن بویژه آنها که همسایه لیبیا هستند در تجاوزات ضد حقوق بشری در لیبیا شرکت نکرده اند. (سازمان عفو بین الملل، ۲۰۱۱/۲/۲۳)، عفو بین الملل در اتهاماتی اینچنین مشخص، (مشابه صدای مخالفان حکومت لیبیا) دعوت به عمل آورد تا پولهای حکومت لیبیا را در بانکهای مختلف منجمد گردانند و ارسال اسلحه به لیبیا نیز منع گردد و بسیاری اقدامات مشابه دیگر که هر روز به شکل اشکاری از طرف عفو بین المللی درخواست میشود، میتوان گفت که در این برهه سازمان عفو بین الملل خواسته های مخالفان قذافی را نمایندگی میکرد - ۳

با وجود همه اینها سازمان عفو بین الملل از قدرت فائقه ای در دورویی و یا با دو چهره ظاهر شدن و با دو چهره نقش بازی کردن برخوردار است، کشف این دوگانگی عفو بین الملل را با وضوح تمام میتوان در فلم مستند و کوتاه "جولیان تل" در مصاحبه اش با "جنیف گاریگوس" رئیس سازمان عفو بین الملل در فرانسه در موضوع تکرار "ادعاهای" این سازمان در اینکه "نیروهای قذافی" مزدوران افریقائی را به خدمت میگرفته اند مشاهده کرد. (متن مصاحبه فوق را میتوان در تلوزیون گلوبال ریسرچ، تاریخ: ۱۲ / ۱ / ۲۰۱۲، دنبال کرد)

جنیف گاریگوس در مصاحبه با رادیو ۲۴، فرانسه با وضوح اینچنین ادامه داد، سازمان عفو بین المللی در تاریخ ۱۸ و ۱۹، فبروری معلوماتی را دریافت داشت مبنی بر اینکه حکومت لیبیا مزدورانی را برای سرکوب معترضان فرستاده تا عملیات سرکوب مخالفانش تسریع گردد. این رادیو در حقیقت گفته های دکتر سلیمان بوشقیر را و آنچه که در مجلس حقوق بشر وابسته به ملل متحد عرضه داشته بود بیان کرد، دکتر سلیمان بوشقیر بعنوان نماینده رابطه لیبیا حقوق بشر و کسی که در بالا از وی نام بردیم، وی عملا جزء مخالفان دولت لیبیا بود و اخیرا به عضویت "مجلس ملی انتقالی لیبیا" وابسته به مخالفان قذافی درآمد.

در خلال پنج ماه گاریگوس "نماینده سازمان عفو بین الملل" بیکباره موضعی کاملاً مغایر با آنچه در گذشته گفته بود اتخاذ کرد و مثل اینکه تأکيدات گذشته خود را در ماه فبروری ۲۰۱۱، به کلی فراموش کرده است. گاریگوس اشاره کرد که در ابتدا که شایعات مزوران که از طرف دشمنان قذافی دامن زده میشد برایش بمثابه این بود که همچون یک مراقب صحبت میکند. گاریگوس همچنین ملاحظه کرد که اتهامات بر ضد "افرادی زده میشد که رنگ چهره آنها تیره و یا سیاه بود" کسانیکه ممکن بود لیبیائی باشند، گاریگوس در ادامه افزود: " امروز ما باید اعتراف کنیم که دلیلی در دست نداریم که قذافی از نیروهای مزدور استفاده کرده است" (نوشدارو بعد از مرگ سهراب) سپس کمی دیرتر چنین گفت: "ما هیچ دلیلی و علامتی نداریم که بر این شایعات تأکید کنیم". وی سپس تکرار کرد که بازرسان عفو بین الملل هیچ مزدوری را نیافتند، باید گفت بر اساس تعریف خانم "تل" به اعتباری باید گفت که وجود آنها "افسانه" بوده که از طریق رسانه های جمعی منتشر شده است.

ممکن است افراد به اسانی جدل کنند که "سازمان عفو بین الملل" در قضاوت خطا کرده است و میتواند بر اساس حسن نیت بازرسانش که با گزارشات اولیه تضاد داشته تصحیح شود. خواننده ملاحظه خواهد کرد که در طول نوشته این کتاب، سازمان عفو بین المللی، اطلاعات را با آزادی منتقل کرده و کوشش کرده است تا اطلاعات دقیق باشد، به این دلیل که بازرسان این سازمان در اماکن مختلف حقایق را تحقیق و سپس انرا گزارش کرده اند. با وجود این افرادی سؤال میکنند که آیا مقاصد و منافع اصلی سازمان عفو بین الملل در خلال وارد آوردن اتهامات مذکور به حکومت لیبیا، تقدم نداشته است؟ زیرا "سازمان عفو بین الملل" بر اساس اتهامات واهی و دروغ، به جنگ کشورهای غربی علیه لیبیا مشروعیت داده است. "به این معنی که عفو بین الملل در خلال تیرئه کردن دولتهای غربی در جنگشان علیه لیبیا، در عین حال منافع خود را نیز در این میان محفوظ داشته است". توضیح مترجم

سازمان عفو بین الملل، در بخش آخر، و پس از به پایان بردن داستان لیبیا، دوبار از گزارشات متضاد خود در جنگ علیه لیبیا، بهره برداری کرده است که خود نعمتی دوجانبه میباشد. نعمتی که سازمان عفو بین الملل به خاطر اهمیت آن و دیدگاه بزرگتری که دارد بران تأکید دارد، به خاطر جذب نمودن کمکهای مالی و حفظ بودجه، و دیگری پرداخت حقوق کارمندان و مواردی از این نوع.

ملاحظه آخر و بدون مجامله: انچنانکه فرانسیس بویل استاد قانون بین المللی در دانشگاه الینوی در اورینا چامپین، و عضو سابق "سازمان عفو بین الملل" در امریکا در مصاحبه اش توضیح داد:

"اهداف اصلی "سازمان عفو بین الملل" در درجه اول به خاطر حقوق بشر نیست بلکه تبلیغات است. دوم مسأله مالی میباشد. سوم گردآوردن هر چه بیشتر اعضا. چهارم درگیریهای داخلی. و آخرین آنها موضوع حقوق بشر است و ترسهای واقعی از حقوق بشر. تأکید باید گفت که اگر شما در کشوری فعالیت میکنید که مخالف امریکا و یا انگلستان هستند، از بسیاری امتیازات، کمکهای نیروی انسانی و تبلیغات بهره مند می شوید، آنها امکان می یابند هر آنچه که خواهند بدست آورند، اما اگر آنها در مورد تجاوزات حقوق بشری از طرف امریکا، انگلستان و اسرائیل سخن به میان آورده و تحقیق کنند، اینجا دیگر اوضاع فرق میکند و به مثابه این معاند که شما بخواهید دندانان را بکشید تا چیزی بدست آورید (منظور باید رنج و درد تحمل کنید) در نهایت پس از مقدار زیادی از جنگ و درگیریهای داخلی و یا هر چه شما نامش بگذارید چیزی خوبی نصیبان نخواهد شد و....

اجازه بدهید در این مورد مثال روشنی بیاوریم، مرحله نژاد پرستی در جنوب آفریقا در زیر حکومت جنایتکار سابق. در این مرحله "سازمان عفو بین الملل" با اصرار زیاد کوشش نمود تا نژاد پرستی در این کشور را محکوم نکند، و این علی رغم همه کوششهایی سرسختانه ای بود که من و دوستانم بکار بردیم، اما آنها حاضر نشدند نژادپرستی را

درافریقای جنوبی محکوم کنند ، دران دوره من نیز در مجلس سازمان عفو بین الملل بودم، این تنها "سازمان حقوق بشری" در دنیا بود که به محکوم کردن نژادپرستی در افریقای جنوبی تن درداد. اکنون ممکن است آنها برای شما دلایلی از نوع "مشابهت" خروس و گاو" بیاورند که چرا اینکار را نکردند. حد اقل می توان گفت که بزرگترین پشتیبانان اصلی مرحله نژاد پرستی در افریقا دولت انگلستان و بعد از آن امریکا بودوما علی رغم همه کوششهایی که به کار بردیم ، در این مورد موفق نشدیم و آنها نژاد پرستی را در افریقای جنوبی محکوم نکردند. من در اینجا این را به عنوان یک نمونه از بسیاری موارد دیگر برای مثال آوردم. (۲۰۰۲)

هم اکنون در لیبیا همین وضعیت حاکم است ، مشابه حوادثی که قبل از این در سال ۱۹۹۱، در عراق به وقوع پیوست، سازمان عفو بین الملل دران زمان ابتدا کوشید در مورد حوادث عراق "خلط مبحث" کند و سپس قصه ساختگی و رسوا شده ای که گویا سربازان عراقی نوزادان تازه تولد شده در بیمارستانی را در کویت از پنجره به صحن حیاط بیمارستان پرتاب کردند. دفتر "سازمان عفو بین الملل" در انگلستان تصمیم گرفت که این گزارش ساختگی و دروغ را در مورد اطفال بیمارستان ، در دستور کار سریع خود قرار دهد، آنها با قوت تمام این تبلیغات دروغ را ادامه داده و هیچ اهمیتی هم به ساختگی بودن آن ندادند (۲۰۰۲)

انچنانکه بویل اشاره کرده است مسئولان سازمان عفو بین الملل هرگونه اشتباهی را در این مورد انکار کردند و اینکه این کارشان چه عواقب وخیمی برای ملت عراق در پی داشت، همچنین تاثیرات فاجعه بار تبلیغاتی این اقدام در ادامه جنگ مسکوت ماند.

از اصل شش رأی در مجلس سنای امریکا که تصمیم به اقدام جنگ علیه عراق گرفتند ، بسیاری از اعضای مجلس سنا نیز اظهار داشتند که آنها تحت تاثیر گزارش "سازمان عفو بین المللی" قرار گرفته و جنگ را تأیید کردند. (۲۰۰۲)

در پایان اگر قرار بر انتخابی باشد میان اینکه کدام کشورها در دنیا باید به توسط سازمان عفو بین الملل، مورد انتقاد و یا تحقیق قرار بگیرد و یا آن کشورهایی که از طرف دولتهای امریکا و انگلستان به عنوان دشمن محسوب میشوند ؟ سازمان عفو بین الملل در این میان نظر امریکا و انگلستان را تأیید میکند. (۲۰۲۱/۳/۲۲)

(\*) Maximilan Fort Professor of anthropology Concordia University

### زیر نویسها از مترجم است:

(۱) در جریان انتخابات سال ۸۸، چهارصد یوتیوب در مورد زدو خورد های پولیس با مردم در خیابانهای شهرهای ایران منتشر شد که شامل آتش زدن بانکها و سرکوب مردم و... می شد. مکسمیلان فورت نویسنده مقاله فوق ، این ویدیوها را دقیقاً شناسائی کرده و منشا آنها را کشف و در مقاله ای تحت نام: "انقلاب توییتری و خواب امریکا برای انقلاب در ایران" منتشر نمود که مقارن همان روزها منتشر و من انرا از عربی به فارسی ترجمه و در سایت "عدالت" منتشر شد. مکسمیلان فورت ، توضیح داده بود که تنها چهل عدد از این یوتوبها در ایران ضبط شده بوده که از لهجه های آنها به وضوح می شد شناخت و بقیه در کشورهای دیگر به طور فتوشاپی مونتاژ شده است. هدف امریکا دران زمان راه انداختن انقلابی رنگی در ایران مشابه آنچه که در لیبیا، یوگوسلاوی اکراین و... اتفاق افتاده بود که این "انقلاب امریکائی - رفسنجانی - کروی - موبسوی" با شکست روبرو شد.

قبل از شروع انقلاب رنگی در ایران ، امیر مقرر رئیس پولیس عربستان ، پنتا، رئیس "سیا" چند نماینده از طرف مجاهدین، ریگی ، حزب اخوان المسلمین کردستان عراق، تعدادی از افسران امنیتی اردن ، در هنتلی در پایتخت اردن شرکت کرده به اضافه چهارصد میلیون دالر که باید تعدادی رادیو، تلویزیون به کار می افتاد و عمه های معتابهای

در ایران و منطقه به کار می گرفتند تا این مولود حرامزاده "رنگی" تولدشود که خوشبختانه در اثر هشیاری سپاه پاسداران که مرکز مهمی برای کشف اسرار دشمنان ایران، بر بالای کوه البرز تاسیس کرده بود، مولود مرده به دنیا آمد و هرکس پی کار خودرفت ، بعدها دکتر ناصر زرافشان در مصاحبه ای با آقای حسینی در تلویزیون "چه باید کرد؟" شرکت نمود و در مورد شرکت آگاهانه موسوی و بقیه "قهرمانان" انقلاب رنگی" افشاگری کرد.

۲) یکی از "گناهان" نابخشودی قذافی : در مرحله ای درگیری میان حزب الله لبنان، ایران و کشورهای ممانعت در دوره ریاست جمهوری ریگان، با امریکا در لبنان آغاز گردید که با منفجر کردن مرکز اصلی و مهم ماموران "سیا" ، آغاز و بنوعی ترور امریکائیه در خیابانهای بیروت شروع شد که صدها نفر کشته شدند، سپس قرار بر این گذاشته شد که مرکز سربازان نیروی دریائی امریکا در بیروت را منفجر کنند که چندصد نفر سرباز در آن به سر میبرد، قرار گذاشته بودند که یک ماشین باری حامل چند تن مواد انفجاری به مرکز مزبور حمله وانرا منفجر کند، کسی که پذیرفت ماشین باری انفجاری را در شکل انتحاری انجام دهد ، یک فلسطینی بود که متاهل و یک دختر داشت ، وی با نیروهای مقاومت لبنان صحبت کرد و مشکل بزرگ کردن دختر خردسال خود را با آنها در میان گذاشت . این مشکل به این شکل حل شد که دخترش را بدست قذافی سپارند و وی با خیال راحت ماشین حامل مواد انفجاری را در مکان تعیین شده منفجر کرد که موجب قتل صدها مارینز گردید و ریگان به فوریت دستور خروج همه امریکائیه را از لبنان صادر نمود.

امریکائیه بعدها جایگاه دختر مذکور را که در لیبیا و در قصر قذافی به سر میبرد کشف و فکر میکنم در سال ۱۹۹۶، بود که با چند هواپیما قصر قذافی را بمباران کردند که قذافی و بسیاری جان سالم بدر بردند اما از دختر قذافی صحبت مشخصی بمیان نیامد که به گمان مطبوعات عرب از بمباران جان سالم بدر برده است